

چشم انداز دموکراسی و انتخابات آزاد در ایران



علی اصغر سلیمی
تیر ماه 1386 / ژوئیه 2007
a.salimi@web.de

گفتار هفتم: عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در بالا

دیدگاهها و عملکردهای دولتها و ساختارهای قدرت سیاسی نسبت به آزادی و دموکراسی یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده فرآیند دموکراتیزاسیون و نیل به آزادی و جامعه مدنی است. در جامعه ما در ملت (STATE) صد سال اخیر اختلافات و اغتشاشات و ابهامات متعددی در مفاهیم و مقولات دولت بوجود آمده اند. ترمها و مفاهیمی از قبیل دولت، حاکمیت، حکومت، (GOVERNMENT) و حکومت (Nation) نظام، دستگاه، رژیم و قدرت سیاسی بر اثر الف: روندهای پیچیده و متناقض رشد و تکوین دولت مدرن و ساختارهای حقوقی - مدنی در کشورمان، ب: بر اثر نقصان و کاستیهای فکری - نظری در بین نخبگان و جامعه، تاثیرات و برداشتهای یکجانبه و غلط از کاربرد مفاهیم فوق در کشورهای انگلیسی و فرانسه زبان و حتی در کشور همسایه مان ترکیه و کشورهای عربی این اغتشاشات و اختلافات فکری خود مزید بر علت شده اند و آسیب پذیری روندها و فرآیندهای دموکراسی را تشدید کرده اند. از اینرو کوشش در راه شفافیت و تفکیک و تمایز این مفاهیم و تعیین حدود و ثغور وظایف دولت، حکومت و دولت - ملت به استقرار دموکراسی و مهندسی اجتماعی گذار دموکراتیک پیکر و چهارچوب خواهد بخشید.

در رابطه با عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در بالا دو مورد زیر را باید در نظر گرفت
الف: دولت بمثابه دستاورد تاریخی - تمدنی
ب: حکومت یا ساختار سیاسی قدرت

الف - دولت بمثابه دستاورد تاریخی - تمدنی: سیر رشد و تکوین دولت مدرن در ایران پس از مشروطیت آغاز شد و در طی این مدت مراحل گوناگونی را پشت سر گذاشت. دولت پهلوی در دوره های گوناگون با ایجاد دولت متمرکز مطلقه و مدرن به خواستههای دیگر انقلاب مشروطیت شامل نوسازی کشور، ایجاد نظم و امنیت و یکپارچگی کشور، ایجاد ارتش مدرن، نظام قضائی، نظام مالی، گسترش شبکه حمل و نقل، تاسیس راه آهن سراسری، گسترش نظام آموزش و ارتباطات و ... بشکل آمرانه و عمدتا با اتکا به دیکتاتوری فردی مبادرت کرد. خواسته مهم آزادی و مردم سالاری اما در تمام مدت 60 ساله دولت پهلوی بجز در دوره کوتاه حکومت ملی در زمان دکتر مصدق نتوانست در شکل حکومتی تجلی و تظاهر یابد.

سرکوب آزادیهای سیاسی توسط دولت مطلقه محمدرضا شاه و نظام تک حزبی او به همراه با سرعت شتابان روندهای نوسازی کشور، پایه های نظم و کشورمندی را سست کرده و شکاف نسبی دولت - ملت را شدت بخشیده و موجب مقاومت اقشار سنتی و بازگشت آنان به اسلام بنیادگرا شد. دولت جمهوری اسلامی مرحله ای از تکوین تاریخی دولت در ایران محسوب میشود و تا کنون حکومتهای گوناگونی از شمار حکومت موقت مهندس بازرگان، دوره ریاست جمهوری بنی صدر، دوران نخست وزیری موسوی و ریاست جمهوری خامنه ای، ریاست جمهوری رفسنجانی پس از 68 همراه با سیاستهای کارگزاران سازندگی، دوران 8 ساله ریاست جمهوری حاتمی توام با اقدامات اصلاح گرایانه و روندهای متناقض شبه دموکراسی و خلاصه دوره برگشت سرکوبهای عربان و دخالتهای متمرکز و مهار همه جانبه بوروکراتیک اقتصادی و ایجاد نظام پادگانی همراه با کنترل نظامی - انتظامی توسط اصولگرایان و رئیس جمهور احمدی نژاد به خود دیده است.

نظام و یا دولت جمهوری اسلامی به دلیل ایدئولوژی سنت گرائی مذهبی و بنیادگرایی، ادغام نهادهای دین و دولت، تصرف کامل نهاد جمهوریت توسط ولی فقیه و احکام حکومتی و نهاد پارلمان از طریق شورای نگهبان و نظارت استصوابی، گسترش دخالتهای همه جانبه در اقتصاد، تصرف و گسترش دخالتها در حوزه

خصوصی و همه عرصه های حیات اجتماعی در روند تکامل و تکوین دولت مدرن، اختلالات و درهم ریختگی های بسیاری ایجاد کرده است.

با یک نگاه اجمالی، مختصات دولت مدرن با اصول سه گانه: فردگرایی، خردباوری و دنیا گرایی تعریف میشوند. رئوس عمده وظایف و تکوین و تکامل دولت مدرن در مرحله کنونی جامعه ما میتوانند به شکل زیرین دسته بندی شوند.

- گسترش گفتمان دموکراسی خواهی از طریق تشریح و تبیین جوانب حقوق بشر و حقوق شهروندی، کوشش در جهت تجهیز و تشکل هر چه بیشتر جامعه و جنبش دموکراتیک، گفتمان سیاسی و دموکراتیک بمانند شالوده فرهنگی و فکری دولت - ملت و دولت مدرن و نقد وسیع روشننگرانه جوانب دولت جمهوری اسلامی.

- اصلی ترین عامل بازدارنده تکوین دولت مدرن ادغام دین و دولت است. بدین لحاظ جدائی نهادهای دین و دولت از الویت و فوریت مبرم برخوردار است.

- کوشش در جهت حل و کاهش کشمکش و تنش های دولت - ملت

- ایجاد همبستگی بین نهادهای دولتی و نهادهای جامعه مدنی و کوشش در جهت گسترش هرچه بیشتر جامعه پذیری اقشار گوناگون

- کوشش در راه استقرار حکومت قانون از طریق وضع قانون انتخابات و تنظیم قانون اساسی جدید و قوانین دیگر و ایجاد نظام حزبی - رقابتی

- کوشش در جهت مهندسی اجتماعی تدریجی و ایجاد ساختارهای حقوقی در همه سطوح جامعه، ایجاد شوراهای شهر و روستا به شکل کاملاً دموکراتیک

- کوشش در راه دستیابی به ایده "ایران متعلق به تمام ایرانیان است" و کوشش در ارستای کاهش شکافهای تمدنی (تمدنهای سه گانه: فرهنگ و تمدن ایران، دین اسلام و مذهب شیعه، فرهنگ و تمدن مدرن) و ایجاد همبستگی ملی بین ایرانیان بمانند شالوده اجتماعی - روانی تکوین دولت مدرن

- ایجاد امنیت و حفظ نظم عمومی و ثبات اجتماعی

- کوشش در راه توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از روندهای تخریبی اقتصادی که فوقاً اشاره داشتیم

- کوشش در راه ایجاد اشتغال جمعیت جوانان و جمعیت شاغل، که حدود یک میلیون امکان شغل بطور سالانه برآورد میشود، بمانند پایه های ضروری و حداقل اقتصادی جهت تکوین دولت مدرن

- تعامل صلح آمیز و موثر و همه جانبه با جامعه جهانی، دولتها و سازمانهای بین المللی، اعتقاد به همکاریهای متقابل جهانی در زمینه های اقتصادی، حقوقی و فرهنگی باید جزء میانی اندیشه ای و گفتمان سیاسی دولت و دولتمردان باشد و در سیاستها و عملکردهای گوناگون بازتاب و تجلی یابد

ب - حکومت و ساختار سیاسی قدرت: رابطه حکومت و دولت در ایران را صرفاً از طریق بحثهای نظری و آکادمیک کلی نمیتوان تشریح و تجزیه و تحلیل کرد. تنها با بررسی تجارب و سیر تکوین دولت جمهوری اسلامی و حکومتها در کشور ما در سه دهه اخیر، بررسی و آنالیز دقیق و موشکافانه قوانین و مقررات موجود و عملکردهای اقتصادی - اجتماعی حکومتها میتوان به این مهم پرداخت. شناخت دقیقتر از عملکردهای ریاست جمهوریها و دوره های گوناگون مجلس و عملکردهای بخشهای ثابت نظام یعنی قوه قضائیه، سپاه، نیروهای مسلح، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی کشور بررسی عملکردها و مواضع رسانه ها و صدا و سیما مکانیسمها و دینامیسم های رابطه متقابل و تفاوتها بین دولتها و حکومتها را روشن خواهد کرد.

بر طبق آنچه در خصوص میانی، مختصات و وظایف دولت مدرن گفته شد "دولت نوعی مجتمع یا تشکیلات فراگیری محسوب می شود ... و شامل آندسته نهادهائی است که حوزه عمومی (PUBLIC SPHERE) جامع را تشکیل میدهد. در حالیکه حکومت را میتوان صرفاً به منزله بخشی از دولت دانست. وانگهی دولت یک پدیده یا جریان دائمی مستمر و همواره حاضر محسوب میشود. در مقابل، حکومت جریانی موقتی و زودگذر است. حکومتها می آیند و می روند و نظام حکومتی بطور مداوم تغییر ساختار و تغییر الگو میدهند، دستخوش تغییر و تحول ساختاری، نهادی و الگویی میگردند" (بازخوانی هابرماس ص 569، ترجمه حسینعلی نوروزی، تهران 1381). بدین لحاظ حکومت را مکانیسمی جهت اتخاذ و اجراء تصمیمات جمعی تلقی میکنند که مسنول تصمیم گیریها و اجرای سیاستها و خط مشی دولت میباشد

حکومت اگرچه به مثابه جزئی از دولت محسوب میشود، میتواند اما با اجزاء دیگر دولت در تضاد منافع قرار گیرد و به حیطة ها و حوزه های دولت دست اندازی و تجاوز نماید. از اینرو در دولتهای لیبرال دموکراتیک سعی در این است که این پارادوکس را "از طریق ایجاد تقسیم بندیهای روشن بین کارکنان دستگاه دولت از یک طرف و کارکنان نهادهای دولتی نظیر خدمات اجتماعی، دادگاهها، ارتش که بر اساس روال بوروکراتیک

استخدام میگردند برطرف نمایند و بدین ترتیب از دستگاه قضائی، ارتش و دستگاه امنیت و اطلاعات انتظار (میروند تا بیطرفی سیاسی کامل را رعایت نمایند). (همانجا ص 570)

در جامعه ما بنا به ملاحظاتی که فوقاً برشمردیم برعکس دولت لیبرال دموکراسی، دولت جمهوری اسلامی پس از اینکه میراث دولت مدرنیستی مطلقه پهلوی را عهده دار شد به جنبه دنیاگرایی و عرف گرایی از طریق ایدئولوژی سنت گرای مذهبی و بنیادگراییش پایان داد. به حوزه خصوصی بمراتب تعرض و دست اندازی بسیار بیشتری روا داشت. به تعاملات دولت و جهان خارج که در زمان محمدرضا شاه به شکل وابستگی و انقیاد درآمده بود پایان داد. بخصوص در سالهای اخیر به روابط بین المللی به اشکال و شیوه های گوناگون تعرض و تجاوز کرده و آن را به تخریب کشاند. ساخت نوع دیکتاتوری فردی در دولت محمدرضا شاه با حکومت اقتدارگرایی و ولایتی فقهاتی جانشین گردید و پس از سالهای 60 که بقایای نیروهای ملی و لیبرال در دولت تصفیه شدند جامعه امتی و یوپولیستی و انتخابات غیر دموکراتیک و صوری جای انفعال مردم و انتخابات فرمایشی زمان شاه را گرفت. تا سالها عملاً حزب جمهوری اسلامی به حذف احزاب رقیب پرداخت. نظام رقابتی احزاب در سالهای بعد، از طریق احزاب فقیه زده عامل و کارگزار ولایت فقیه و توسط رسانه های رسمی کشور و صدا و سیما با تخریب و تحریف افکار عمومی و سرکوب شدید مورد تهدید قرار گرفت و جامعه مدنی تا سال 76 زیر فشار خردکننده این مکانیسم بازدارنده دولت جمهوری و حکومتها قرار داشت. تنها موقعی که دولت جمهوری اسلامی یعنی ولایت فقیه و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت (به اصطلاح سنای دولت جمهوری اسلامی) آژیر و علائم خطر و انفجارات و طغیانهای توده ای را شنیدند، و گرایش عده ای از دولتمردان، کارگزاران و فعالان و اصلاح طلبان را گسترش یابنده تشخیص دادند، و به ضرورت درجه ای از تعاملات حداقلی با جناحهای رقیب پی بردند و متعاقب آن دریچه و سوپاپ اطمینان خود یعنی سیاست مهار جنبش خود انگیخته و سیاست رقابتی کنترل شده در نظام رقابتی احزاب و کنترل جامعه را بکار گرفتند. حکومت خاتمی در دوره هشت ساله اش به مثابه این دریچه اطمینان از طریق ایجاد این سیاستهای مهار شده و استقرار دوره ای شبه دموکراسی، راهگشائی دوام عمر دولت جمهوری اسلامی را تامین و تضمین میکرد. یعنی به عبارتی دیگر در ایران دولت برخلاف دولتهای لیبرال دموکراسی در تعارض و تضاد با ملت قرار دارد و بطور مدام به عرصه حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و عرصه تعاملات جهانی دست اندازی و تجاوز مینماید. امری که در ماهیت این نظام و کلیتش نهادینه شده است و این تنش ها و؟؟؟؟ های شدید دولت - ملت خطر اضمحلال و فروپاشی کلیت دولت را هر روز بیشتر میکند. اگر دولت پهلوی میتوانست به توصیه منتقدانش عمل کند و به جای حکومت مطلقه و دیکتاتوری فردی به سلطنت مشروطه گردن نهد، کار بدانجا نمیکشید که کلیت دولتش فرو پاشد و نظام 2500 ساله سلطنت را در مدتی کوتاه برباد دهد. امروز هم بدرستی عده ای از نخبگان مذهبی و دین باوران دموکرات و ملی از خطر آسیبهای جدی به فرهنگ شیعی و اعتقادات دینی مردم آگاهند. میدانند که فروپاشی کامل و سریع دولت جمهوری اسلامی و فروپاشی ساختارهای اقتصادی - اجتماعی از طریق انقلاب و خشونت، ضربات سنگینی نیز به کلیت فرهنگ شیعه و دین اسلام در جامعه خواهند زد. امری که به حل شکافهای تمدنی و فرهنگی کمکی نخواهد کرد. برعکس زمینه ساز کشمکش و تعارضات جدیدی خواهد شد. جنبش و گفتمان دموکراسی خواهی باید با نقد روشنگرانه همه جهات و جوانب گذار دموکراتیک را در ارتباط سازنده با مدل‌های تحولات بنیادین در دولت جمهوری اسلامی تفسیر و تفهیم کند. از اینجاست که بجای مدل‌های انقلاب سیاسی و اعمال خشونت و فروپاشی سریع این دولت یعنی مدل انقلاب از پایین و بسیج توده ای به رهبری کاریزمائی امام و قهرمان و رهبر باید به مدل‌های بخردانه، متعادل و میانه روانه مهندسی اجتماعی که بر اساس همپرسی و گفتگو قرار میگیرد توسل جست. باید پروسه جابجائی و انتقال قدرت سیاسی و حکومت را در وهله اول با روشهای خلاقانه به پیش بگونه ای که ثبات سیاسی و نظم و امنیت کشور بتدریج و طی این روندها در اختیار نیروهای دموکرات قرار گیرد و متعاقب و همراه این روندها عوامل بازدارنده سیر تکوین و تکامل دولت مدرن را از پیش پا برداشت و نه بگونه ای که ایران مثل لبنان 1980 یا یوگسلاوی 1990 و یا عراق 2003 جزء کشورهای فروپاشیده بدون دولت تلقی گردد

در قسمتهای دیگر عوامل تعیین کننده به بخشی دیگر از ملاحظات درباره حکومت و دولت و ملت و نظرات چگونگی انتقال و گذار دموکراتیک در رابطه با نقش مردم به نهادهای صنفی - مدنی و احزاب سیاسی و رهبران و شخصیت‌های ملی دموکرات میپردازیم

عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در پایین

الف: مردم
ب: سازمانها و نهادهای صنفی - مدنی - فرهنگی
ج: احزاب و سازمانهای سیاسی
د: شخصیت‌های ملی و دموکرات و رهبران فکری

گفتمان هشتم: عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در پایین - مردم

جهت بررسی نقش مردم در گذار دموکراتیک و میزان آمادگی بالقوه و بالفعل آنان در پذیرش شعار محوری انتخابات آزاد بمثابة یکی از اصلی ترین و گرهی ترین اجزاء گفتمان دموکراسی، ابتدا مروری به برخی از مقولات و مفاهیم تاریخی، تمدنی، فرهنگی، جامعه شناختی، مردم شناختی و روان شناختی ضروری است. بدون نگاه همه جانبه و ترکیب و تاثیر عوامل چندگانه احکام صادره در مورد کنش و واکنش ها و حرکات خودانگیخته و برآمدهای نیمه آگاهانه و آگاهانه مردم و یا در مورد چگونگی انگیزش و بسیج مردم و امر گفتمان گسترتری در جامعه خیالی و متناقض خواهند شد. جنبش و نقد روشنگرانه در دهه اخیر بطور دقیقتر و پیگیرانه تری به این امر مهم پرداخته است و امکانات وسیع فکری و تحقیقی در این زمینه فراهم آمده است. فعالان سیاسی و فرهنگی و حقوق بشر با علم و آگاهی به این دستاوردهای فکری میتوانند با دیدگاههای وسیعتر به تفسیر و آنالیز نقش مردم و نقش آنان در گذار دموکراتیک بپردازند. رئوس اصلی این مباحث بقرار زیرند.

- حوادث و رخدادهای درون کشور، اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشورمان و موقعیت و عملکردهای نظام جمهوری اسلامی و روند رویدادها در عرصه جهانی و منطقه ای و عملکردهای دولتهای دیگر در رابطه با جمهوری اسلامی نشانگر آن است که ملت ایران در سالهای آینده بطور فزاینده تری به مقاومت برخواید خاست، انفعالها و سردرگمی ها و تردیدها بطور موقتی و دوره ای قابل پیش بینی هستند، ولیکن فرآیندهای تکاملی در جهت نوسازی جامعه مدنی از شانس بالاتری برخوردار هستند.

- نگاه صرفا طبقاتی و یا دیدگاه مبتنی بر وجه تولید سرمایه داری و دسته بندی طبقات و افشار مردم بر اساس ساختار اقتصادی - اجتماعی بطور مجرد راهگشای وضعیت کنونی و مبنای کاملی جهت بررسی و تحلیل جنبش مردمی و حرکات خودانگیخته و یا آگاهانه نیست.

- جامعه ایران به لحاظ تاریخی و تمدنی سیر تکاملی منحصر بفرد دارد. امر وجودشناسی و هستی شناسی در جامعه ما خود مبین نظریات مردم شناسانه و جامعه شناسانه و فرهنگ شناسانه است. بررسی شکافهای تمدنی (که فوقا بدان اشاره شد) یکی از عوامل مهم تعیین کننده راستاهای حرکت مردمی است. در شرایط حاضر انسداد سیاسی و بن بست تاریخی، ایدئولوژی سنت گرائی مذهبی سیر قهقرائی سریع السیر دارد. به دلیل وجود آلترناتیوها و بدیلهای تاریخی - تمدنی در جامعه ما، فرهنگ و تمدن ایرانی و وجه مدرنیته و کوششهای تاریخی دوپست ساله فکری - فرهنگی و شناخت تجارب جوامع مدرن غربی تاثیرات اساسی بر جامعه ما گذاشته است، که در شرایط برآمد مردمی بکمک این حرکات خواهند آمد.

- در جامعه ما در گذشته و در دو دهه اخیر همواره بخشی از مردم به غرب گرائی و تجدد گرائی در مقابل سنت و ایدئولوژی بنیادگرا توجه داشتند. این اندیشه ها البته از پیشینه طولانی برخوردار بوده و خود بمثابة عامل مثبتی در روندهای فکری و فرهنگی و اجتماعی در طبقات و افشار مردم تاثیرگذار بوده و در صف آرائی آنان در مقابل دولت توتالیتر جمهوری اسلامی نقش دارند.

- بر اثر تغییرات در ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران قشرهای متوسط جامعه گسترش یافته و اکنون حدود 10 میلیون برآورد میشوند. در نتیجه رویدادهای درون جامعه و درون جناحهای رژیم جمهوری اسلامی افشار متوسط جامعه از سال 76 به بعد به مقاومت گسترده تری در مقابل دولت برخاسته اند و زمینه های گسترش گفتمان سیاسی دموکراسی و جامعه مدنی در بین این افشار فراهم آمده است. امر گذار دموکراتیک و جذب شعارهائی از قبیل انتخابات آزاد در مقابل انتخابات غیر دموکراتیک و فرمایشی و نمایشی در بین این بخش از مردم ایران بستر مناسبتری خواهد داشت. البته درخور ذکر است که بخش کوچکی از این افشار نیز تحت تاثیر گروههائی از بلوک دولت قرار دارند و امیدهای معینی به دولتمردانی از قبیل رفسنجانی و غیره جهت حفظ قانون گرائی و ثبات اجتماعی و نوسازی و توسعه اقتصادی داشته اند.

- زنان ایران که بیش از نیمی از جمعیت را شامل میشوند بطور فراطبقاتی و ملی بدون ملاحظات ساختاری اقتصادی - اجتماعی، بدلیل تسلط ایدئولوژی سنت گرایی و مضمون مفاد قانون اساسی و قوانین قضائی و جزائی و عملکردهای دولت جمهوری اسلامی و عملکردهای جنبش زنان در سه دهه اخیر به پیکر واحدی در مقابل رژیم تبدیل میشوند. این روند پیکرمندی واحد و وفاق اجتماعی زنان هر چه بیشتر در سازمانها و نهادهای مستقل، خود را نهادینه میکند. تاثیرات حرکات و تشکلهای زنان بر کل جامعه نقش بسیار مهمی در گذار دموکراتیک و ضرورت پذیرش انتخابات آزاد و رقابتی و سالم ایفا خواهد کرد.

- جوانان و دانشجویان کشور در دهه اخیر بطور مداوم به حرکات و جنبش های آگاهانه اقدام نموده اند و پیگیرانه و قهرمانانه در مقابل نظام ایستادگی کرده اند. جوانان زیر 25 سال در کشور ما 36 میلیون از جمعیت ایران را تشکیل میدهند و بیش از هر قشر دیگر در مقابل فرهنگ و زندگی مدرن و بازسازی و نوسازی اجتماعی تمایل نشان میدهند. جوانان و دانشجویان صرف نظر از پایگاه طبقاتی خانوادگیشان به اقشار متوسط مدرن متعلق اند. آنان در طول دهه های اخیر همواره جزء پیش قراولان حرکات فکری - فرهنگی بوده اند و در گسترش گفتمان دموکراسی و دفاع از آزادیهای اجتماعی - سیاسی نقش بسزائی ایفا کرده اند.

- بررسی طبقات کارگران و زحمتکشان شهر و روستا در جامعه ما از وضعیت پیچیده تری برخوردار است. گروههای وسیعی از کارگران و کارکنان شرکتهای دولتی و خصوصی متعلق به اقشار متوسط شهری میباشند. نگاهی به وضعیت استخدامی کشوری و وضعیت خصوصی و سطح معیشتی و مالی - رفاهی کارمندان و کارکنان دولت از قبیل معلمان و پرستاران نشانگر آن است امروزه تفکیک بر اساس کار بدنی و فکری در بین بسیاری از اقشار متوسط جامعه صرفا بر مبنای عنوان کارگر و کارمند امری انتزاعی خواهد بود. کارگران در بخش خصوصی و دولتی و در صنعت و خدمات در سالهای اخیر هرچه بیشتر به دفاع از حقوق صنفی و آزادیهای اجتماعی برخاسته اند. وضعیت وخیمتر اقتصادی در دوسال اخیر و چشم انداز جامعه بر اثر سیاستهای اقتصادی دولت میتواند بیش از پیش گروههای وسیعتری از طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا را به انگیزش و بسیج بکشاند. شعار عدالت اجتماعی و طرفداری از حقوق زحمتکشان از سوی رئیس جمهور فعلی سرریخته از آنچه تصور میشد در بین کارگران و زحمتکشان به یک ادعای پوچ تبدیل گشته و به توقعات و انتظارات به مراتب بیش از پیش دامن زده است. از این رو زمینه های مناسبتری جهت گسترش فکر و آگاهی و دفاع از حقوق صنفی و اجتماعی در بین کارگران و زحمتکشان جامعه ما فراهم آورده است.

- اقشار سنتی جامعه اگرچه در سالهای پس از انقلاب و تا دو دهه پس از آن از امتیازهای بیشتری نسبت به طبقات دیگر برخوردار بوده اند و به لحاظ فکری و فرهنگی همسوئی های زیادی با ایدئولوژی سنت گرای مذهبی داشته اند، لیکن در سالهای اخیر همراه با وخامت اوضاع و گسترش بحران اقتصادی و ناکارآمدی رژیم و سرکوب جنبش های اجتماعی زنان و جوانان که عمومی شده اند، و وجود اعتراضات عمومی به دلیل کمبود آب، مشکل برق، گسترش چشمگیر نرخ تورم، اقدامات رژیم علیه استفاده از ماهواره و غیره و گسترش امر اصلاحات در جامعه در دو دهه اخیر در بخش بیشتری به بیداری کشیده شده و به اقشار متوسط شهری پیوسته اند.

- وضعیت روحانیون و بخصوص جوانان حوزه های علمیه نیز نباید مثل قبل بطور کامل و درست به منزله پایگاه اصولگرایان و یا نیروهای سنت گرا و بنیادگرا تلقی گردد. اصلاحات در دهه اخیر و تغییرات جهانی علم و تکنیک و تاثیر پیشرفتهای دنیا بر جامعه ما و حضور چهره های روحانی از قبیل آیت الله منتظری و آموزشهای رهبران فکری - مذهبی مانند مجتهد شبستری و سروش و روشنگریهای چهره های ملی مانند بنی صدر در حوزه ها تاثیرات عظیمه ای داشته اند. جوانان روحانی کشورمان میتوانند در آینده به نوبه خود به همراه دانشجویان دانشگاهها سهمی در پیشرفت فرایندهای دموکراتیک برعهده بگیرند.

- رژیم جمهوری اسلامی علیرغم همه بحرانهای مشروعیت و ناکارآمدی از طریق اهرمهای اصلی و مکانیسمهای معینی از قبیل صدا و سیما و رسانه های عمومی و تشکلهای دولتی و از طریق اقدامات موردی و موضعی و دوره ای کوشش میکند تا پایگاه اجتماعی خود را در بین اقشار سنتی و زحمتکشان حفظ کند و هر جا که قادر به اقناع نیست به سرکوب و ارباب اقدام ورزد. این اقدامات در تکوین و تکامل و گسترش گفتمان دموکراسی و جامعه مدنی تاثیرات بازدارنده ای داشته و در بازتولید ناهنجاری سیاسی و نامطلوبی های اجتماعی، ایجاد تشنت و تردید در جامعه، اخلال در فرآیند گفتمان دموکراسی و ایجاد انفعال و یا واکنش خشونت آمیز در بین مردم موثر واقع میشوند.

- مقوله مردم بدون نقش بازدارنده دولت و اهرمهائش و بدون نقش مثبت سازمانهای مدنی - صنفی، احزاب سیاسی، رهبران فکری به تنهایی شاخص و معرف و میزان اندازه گیری برای مقولات تبعی از قبیل سنت، تجدد، نوسازی، توسعه اقتصادی و جامعه مدنی نیست. مردم با افکار عمومی و میزان رشد و گسترش گفتمان سیاسی جدید قابل تعریف و هویت پذیر میگردند. دموکراسی به نهادینگی و عنصر پایداری و مداومت نیازمند است. در غیر اینصورت تجارب مشروطیت و دولت ملی مصدق و انقلاب بهمن نشان داد که جنبشها و برآمدهای مردمی تا مادامیکه به گفتمان دموکراسی و افکار عمومی دموکراتیک و احزاب و سازمانها و رهبران دموکرات تجهیز نیافته باشند، منشا ایجاد تحولات بنیادین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی نخواهند بود. در پایان این بخش ذکر این نکته درخور تاکید است که در دهه اخیر همراه با تغییراتی که در مجموع صفوف مردم ایجاد گردیده است زمینه های گذار برای دموکراسی بسیار مهیاتر شده است و مردم قدمهای مطمئنی در جهت گسترش و جذب گفتمان دموکراسی برداشته اند.

گفتار نهم: عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در پایین - سازمانها و نهادهای صنفی - مدنی - فرهنگی

سازمانها و نهادهای مدنی حاصل رشد و تکامل فکری - فرهنگی - سیاسی - اقتصادی - حقوقی جامعه و خود شاخص مدنیت و ضامن دموکراسی در جامعه اند.

سازمانهای مدنی بمثابه گرهها و پلهای ارتباطی و ارتباطات نهادی شده بین شهروندان هستند که ایجاد گسترده آنها نه تنها مستلزم اقدامات و همکاریهای دولتها هستند، بلکه مستلزم وجود نیازها و آگاهی های سیاسی - اجتماعی شهروندان نیز میباشد.

به لحاظ نظری تکوین و تکامل جامعه مدنی و گسترش روابط انجمنی امری تدریجی و طولانی است. امر تکوین جامعه مدنی در ارتباط تنگاتنگ با فرآیندهای خرد و کلان جامعه پذیری (جامعه پذیری نظام شخصیت و جامعه پذیری گروهها و اجتماعات) و با روندهای نهادینه سازی (رونه کاهش اختلاجات اجتماعی که به گسترش ارتباط و همبستگی منجر میگردد) قرار دارد. این روند سه گانه (تکوین جامعه مدنی، نهادینه سازی و جامعه پذیری) بطور متقابل و سه گانه به رشد و گسترش یکدیگر نیازمندند و به همدیگر کمک میرسانند. برنامه استراتژیک جهت نیل به اهداف فوق مستلزم کوشش در راستای رشد شخصیت های افراد جامعه و تمایل به کنش روشمند و میل به مسئولیت شخصی و اخلاق مسئولیت است. کارشناسان و آگاهان و فعالان جامعه ما باید همراه با روشنگریها در زمینه ضرورت گسترش روابط انجمنی در حوزه اقتصادی - سیاسی - اجتماعی - فرهنگی و همراه با نقد پیگیرانه عملکردهای مخرب رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه خود به ابتکارات گوناگون دست یازند و سازمانهای صنفی - مدنی - فرهنگی را گسترش و استمرار دهند. در جامعه آسیب دیده یعنی جامعه ای که به آنومی سیاسی (خود بیگانگی) و یا هیترنومی (آلت فعل و بازیچه صاحبان قدرت و دولتمدان) مبتلا گشته است، مردم نیاز به این نهادها و سازمانها را بطور چشمگیری حس میکنند. نمونه گروههای خودیاری زنان و تجربه رشد سازمانهای صنفی - مدنی در سالهای اخیر در کشورمان حاکی از آن است که اقدامات استراتژیک در ایران امروز از زمینه های لازم برخوردارند و حتی با تاخیر و دیر هنگام اند و چنانچه رشد و گسترش این سازمانها متوقف شوند، موجودیت این نهادها مورد تعرض رژیم قرار میگیرد و با اضمحلال روبرو میشوند که نتیجه اش از سوئی انفعال و عواقب دیگرش انفجار و طغیان و فروپاشی ساختاری از سوی دیگر است. اکنون برخی از اصلاح طلبان (رجوع شود به مقاله جلانی پور: چهار الگوی تغییر ابعاد نامطلوب جامعه، اصلاح طلبی سه جانبه، روزنامه شرق و نیز به مقاله تاج زاده: آرمان دولت ایده آل تحقق ناپذیر است مصاحبه با شایا شهباق نشریه نامه) در نقد دوره 8 ساله سالهای 84 - 76 به ضرورت برپائی سازمانهای مدنی و به کم کاری ها اشاره دارند. در شرایط امروزه که امواج جنبش خود انگیخته و اعتراضات مردمی گسترش یافته است، نقد و بررسی گذشته اهمیت خاصی دارد. فراتر از آن برنامه و استراتژی روشنی است که بتواند بر بستر جنبشها و اعتراضات، تشکلهای و نهادهای لازم را پی ریزی و بنیاد کند. رئوس کلی چنین برنامه و استراتژی را میتوان بدین ترتیب برشمرد.

- از آنجا که جامعه مدنی مجموعه و آمیزه ای از سندیکاها، اتحادیه ها، فدراسیونها، انجمنها، جمعیتها، باشگاهها و انواع سازمانهای دیگر است، در شرایطی که جمهوری اسلامی بدلیل بحران از پیشبرد وظایف خود قاصر است و با سرکوب، ارباب، تخریب و یا تحریف و دستکاریهای دیگر فرآیند تکوین جامعه مدنی در ایران را به تاخیر می اندازد، کلیه نیروهای مردمی، احزاب سیاسی، تشکلهای موجود و رهبران فکری جامعه باید انگیزش و بسیج و مهندسی اجتماعی حول ساختن نهادها و سازمانهای مدنی را در دستور کار خود قرار دهند.

- بطور اصلی سازمانهای صنفی - مدنی در چهار بخش اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی تشکیل میشوند و فعالیت دارند. نظر به اینکه در جامعه ما در چهار بخش اقتصاد - اجتماع - سیاست - فرهنگ نهادهای متعددی ایجاد شده اند، نقد و بررسی تجارب این نهادها حائز اهمیت است و از درون این تجزیه و تحلیل ساختاری و عملکردی و میزان موفقیت و شکست راهکارها و راهبردهای تا کنونی آنان میتوان در هر یک از بخشهای چهارگانه مضامین و مفاد و موارد اصلی رهنمودهای راهبردی را جمع بندی و تعیین کرد.

- فراخوان عمومی از سوی همه نیروهای اجتماعی، احزاب سیاسی، سازمانهای صنفی، رهبران فکری و کارشناسان باید: الف: بلند مدت و روشنمدت ب: در مواردی دیگر بطور متمرکز و دوره ای بر بستر امواج جنبشهای خود انگیزه و جنبش های آگاهانه ج: دارای مکانیسمها و سیکلهای برگشتی و همپرسانه و همیارانه باشد تا خلایقیت ها و ابتکارها بسرعت و در زمان (از آغاز عمر جنبشها تا پایان آنان) اثرات مطلوب را در جهت تکوین و تکامل نهادها داشته باشند و اهداف حرکت بهینه سازی شوند.

- در جامعه ما در سالهای گذشته طبق منابع آماری حدود 33000 نهاد شورای شهر تشکیل یافته اند (نشریه نامه، مصطفی تاج زاده). بدیهی است که این امر ضمن اینکه در چهارچوب قانون تحقق یافته است و حدود و ثغور وظایف معینی را برای این نهادها در نظر گرفته اند، لیکن ارتقاء و بهبود وضعیت ساختاری و حیطة های عملکردی و استمرار و بقای این نهادها بعهد همگان است. نهادهای شورای شهر و روستا را میتوان در بخشهای سیاست و اجتماع و فرهنگ و اقتصاد فعال نمود.

- نهادها و سازمانهای جاافتاده تر و متشکلاتر از قبیل سازمانهای دانشجویان و کمپین زنان و سندیکای شدت واحد و تشکلهای معلمان هریک در بخشهای خاص خود ابتکارات و تجارب وسیعی را جمع کرده اند. انتقال این تجارب و کمک همه جانبه این سازمانها به نهادهای نوپا تر خود ضامن رشد و تکوین فرآیندهای متقابل خواهند شد.

- در زمان انتخابات از آنجا که رقابت بین احزاب و جناحهای دولتی شدت میگیرد، امکان فعالیت و نوآوری های اجتماعی - سیاسی و نهادهای گوناگون وسیعتر خواهد شد. نیروهای مردمی باید بفکر پاشاندن بذره های آگاهی و سازماندهی و سازمانیابی آتی خود باشند و لحظات را بکار گیرند. امر تدریجی مهندسی اجتماعی در زمینه نهادهای علاوه بر اخلاق مسئولیت احتیاج به درایت و هوشمندی دارد.

- بررسی نیازهای منطقه ای - شهری - استانی - کشوری و ارزیابی اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در حیطة های گوناگون و در سطح کشور بعنوان امر هوشمندی و درایت و پایه اساسی تنظیم استراتژی و برنامه برای نهادهای جامعه مدنی است. نمونه های برپائی کمپین زنان با توجه به نیازهای مبرم و طولانی جامعه جهت تغییر قانون اساسی و قضائی و جزائی کشور و یا نهادها و سازمانهای دانشجویان جهت دفاع از خواسته هایشان و تشکلهای معلمان در شهرستانهای گوناگون نشانگر دیرنگامی تکوین جامعه مدنی است. زیرا سالهاست که این نیازها وجود داشته اند، لیکن به نهادمندی و نهادینگی نرسیده بودند.

- فرآیند نهادینگی در جامعه ما هنگامی قابل حصول و وصول است و هویت مییابد که مدتی از عمر نهادها و فرآیند نهادمندی گذشته باشد. هویت نهادینگی با استمرار نهادها و قوام ساختاری و ارتقاء و بهینه سازی و ادخال و تاثیر نهادها در سیاستهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی رژیم جمهوری اسلامی و با مقاومت و ایستادگی جامعه مدنی در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قابل تعریف است.

- گذار دموکراتیک و دستیابی به انتخابات آزاد و رقابتی در ارتباط تنگاتنگ با این فرآیندهای تکوین جامعه مدنی، نهادمندی و نهادینگی قرار دارد. انتخابات آزاد و رقابتی باید هزاران بار در بین نهادهای گوناگون جامعه ما تکرار شود. نظام شخصیتی و روند جامعه پذیری در گروههای اجتماعی بکمک ایده گفتمانی و فرآیند انتخابات آزاد هرچه بیشتر شکل یافته و بهبود مییابد. این فرآیند در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری میتواند به خواسته های بالاتری برسد و به امر تغییر قانون اساسی و تحولات بنیادین دیگر با اتکا به نهادمندی و نهادینگی تحقق بخشند. راه طولانی، پر فراز و نشیب و پریچ خم و گردنه ها پر از خطر و رقیب آماده حمله و دفاع است. اما صد سال شور و از خود گذشتگی، جانپازی و اراده، شعور و آگاهی تاریخی مردم، تشکلهای و سرمایه های معنوی و نمادین و پشتوانه های ما در حرکات آینده اند.